

مهاجرت‌های روستایی در ایران و پیامدهای آن بر جامعه روستایی*

ولی‌اله رستمعلی‌زاده^۱ * قربان حسینی^۲

چکیده

هدف این مقاله پاسخ به این پرسش است که چه تغییراتی در الگوی مهاجرت داخلی ایران اتفاق افتاده، پیامد این مهاجرت‌ها بر جامعه روستایی چیست و چشم‌اندازهای آینده در الگوی مهاجرت داخلی ایران کدامند. روش مطالعه، اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، آمارگیری‌های نمونه‌ای و سایر یافته‌های مرتبط با موضوع است. بر اساس یافته‌ها، تحولات در الگوی مهاجرت داخلی ایران نشان می‌دهد الگوی مهاجرت داخلی در ایران در حال تغییر بوده و از میزان مهاجرپذیری و مهاجرفرستی روستاها کاسته شده و به سمت شهرها جهت پیدا کرده است. الگوی مهاجرت داخلی در ایران به سمت سلسله‌مراتب شهری و برون‌کوچی در حال تغییر است. بنابراین چشم‌اندازهای آینده مطالعات مهاجرتی در ایران، شامل توجه به مهاجرت‌های شهر به شهر و نقاط مثبت و چالشی آن است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، الگوی مهاجرت و مهاجرت روستا-شهری

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال پنجم • شماره بیستم • پاییز ۹۵ • صص ۲۱۵-۱۹۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۲/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۶/۲۷

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «جمعیت‌شناسی روستایی در ایران: بررسی روند تحولات جمعیتی مناطق روستایی ایران در نیم قرن اخیر» است که در مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام شده است.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، نویسنده مسئول (v.rostamalizadeh@gmail.com)

۲. کارشناس پژوهشی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور (ghorban.hosseni@gmail.com)

مقدمه

انسان از زمانی که خود را شناخته، پیوسته در جست‌وجوی نان، مأوای بهتر و امنیت بیشتر، از نقطه‌ای به نقطه دیگر کوچیده است (مارتین، ۱۳۸۳: ۱). بنابراین مهاجرت یا نوعی انتخاب است که دارای علل و انگیزه‌هایی است و یا یک اضطرار است که بر اثر عواملی که خارج از اراده و خواست فرد است، بر وی تحمیل می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۵). افراد دلایل بسیاری برای ترک زادگاه خود و مهاجرت به جاهای دیگر دارند، اما مطالعات نشان می‌دهد که دلایل اجتماعی و اقتصادی مهم‌ترین دلایل مهاجرت افراد است (Shahnaz, 2010) و مردم از قرن‌ها پیش برای به دست آوردن فرصت‌های بهتر اقتصادی یا آزادی‌های سیاسی اقدام به مهاجرت می‌کردند (Hilmi, 2011).

هنگامی سخن از مهاجرت به میان می‌آید، هم موضوع «درون کوچی» و هم «برون کوچی» مطرح می‌شود. درون کوچی واکنشی است به تفاوت‌های آشکار ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در مناطق مختلف یک کشور و برون کوچی بازتاب همین تفاوت‌ها در مقایسه با کشورهای میزبان و مهاجرپذیر است (مارتین، ۱۳۸۳: ۲-۱). در اینجا نیز تأکید این مقاله بر درون کوچی یا مهاجرت‌های داخلی است، چراکه بخش عمده‌ای از مهاجرت‌ها در ابعاد داخلی و در چارچوب مرزهای داخلی کشورها صورت می‌گیرد و آن هم به دلیل تفاوت‌ها و نابرابری‌های فزاینده در میان مناطق مختلف کشورها و نیز میان جوامع شهری و روستایی کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه است. علاوه بر این، «مهاجرت محصول گریزناپذیر انتقال از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی است و فرایندی تجربه شده در تمام کشورهایی که این فرایند را به شکلی گریزناپذیر طی کرده‌اند» (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۴). بنابراین با توجه به اینکه فرایند انتقال و گذار صنعتی و همچنین فرایند توسعه، در کنار خود تحرک اجتماعی و اقتصادی را دارد، این تحرک اجتماعی و اقتصادی در پاره‌ای موارد نیاز به تحرک جغرافیایی دارد. برای مثال، همزمان با توسعه و افزایش تحصیلات، لزوماً شغل مناسب تحصیلات فرد، در روستا فراهم نیست و

فرد مجبور به تغییر مکان زندگی است. پس این گذار در کنار کوچک شدن مقیاس‌های مکانی و زمانی در عصر حاضر، حرکت‌های مهاجرتی را تقویت کرده، به طوری که برای مثال در ایران در سه دهه اخیر، سالانه به طور متوسط یک میلیون نفر در میان مرزهای کشور جابجا شده‌اند که ۷۱ درصد این جمعیت اکنون در مناطق شهری زندگی می‌کنند، بنابراین مهاجرت امروزه به امری آسان و گاه گریزناپذیر تبدیل شده است. پس لاجرم با تغییرات توسعه‌ای و تحرکات اجتماعی و اقتصادی، جغرافیای تحرک نیز تغییر می‌کند و شاید الگوها نیز برای مهاجرت تغییر یابند. هدف این مطالعه، بررسی وضعیت مهاجرت‌های داخلی به خصوص مهاجرت‌های روستایی طی پنج دهه گذشته و پیامدهای این نوع مهاجرت‌هاست. همچنین به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است: چه تغییراتی در الگوی مهاجرت داخلی ایران اتفاق افتاده و الگوی مهاجرت داخلی ایران به کدامین سمت در حرکت است؟ پژوهشگران و سیاست‌گذاران چه مسائل و مواردی از مهاجرت را در آینده پی بگیرند؟ پیامد این مهاجرت‌ها بر جامعه روستایی چه بوده است؟

۱. مبانی نظری و تجربی

در ادبیات این تحقیق، با گذر از نظریات مختلف مهاجرتی، مروری بر نظریه انتقال تحرکی زلینسکی^۱ (۱۹۷۱) خواهیم داشت که به نوعی تحولات تحرکی / مهاجرتی افراد را در بین فضاها و جغرافیای مختلف با تأکید بر فرایند مدرنیزاسیون و توسعه، توضیح می‌دهد. در نظریه انتقال تحرکی زلینسکی، اهمیت نسبی انواع مختلف جابجایی‌ها، به موازات فرایند نوسازی همانند تغییراتی که در باروری و مرگ و میر اتفاق می‌افتد، در مدل انتقال تحرکی تغییر می‌کند. وی در مدل انتقال تحرکی خود، پنج مرحله را از هم متمایز می‌کند که از مرحله جامعه سنتی تا جوامع پیشرفته آتی در جریان است.

نظریه انتقال تحرکی زلینسکی، «انتقال حیاتی» را به «انتقال تحرکی» مربوط می‌کند. او بر این عقیده است که از طریق توسعه دانش علمی، «بشر مدرن» کنترل فیزیولوژی را در قالب کنترل مرگ و تولد توسعه می‌دهد و این منجر به انتقال جمعیتی می‌شود که وی آن را انتقال حیاتی می‌نامد. زلینسکی با استفاده از این مفهوم و از طریق ارتباط دادن آن به فرایند مدرنیزاسیون، رشد اقتصادی و افزایش تحرک، مفهوم انتقال جمعیتی را گسترش

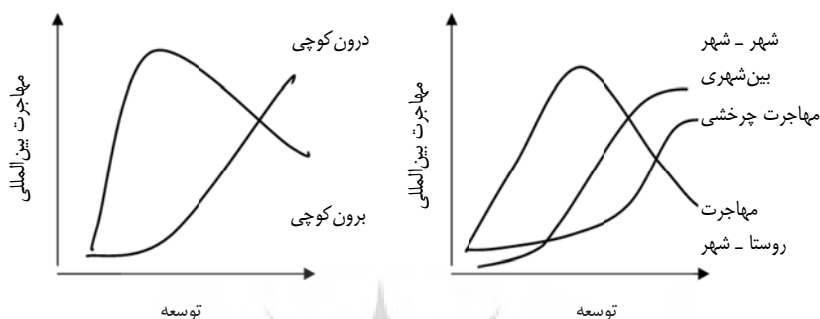
می‌دهد.

او انتقال حیاتی را در پنج مرحله مشخص می‌کند: ۱. جامعه سنتی پیش از مدرن (باروری و مرگ‌ومیر بالا، و افزایش طبیعی جمعیت به مقدار کم)، ۲. جامعه انتقالی اولیه (کاهش سریع مرگ‌ومیر و رشد بالای جمعیت)، ۳. جامعه انتقالی اخیر (کاهش عمده در باروری و کاهش معنادار در سرعت افزایش جمعیت)، ۴. جامعه پیشرفته (ثبات باروری و مرگ‌ومیر در سطوح پایین و افزایش ناچیز جمعیت) و ۵. جامعه فوق پیشرفته آتی (تداوم باروری و مرگ‌ومیر پایین). موضوع اصلی استدلال او این است که این مراحل، با اشکال مختلف تحرک در ارتباط بوده و وی آن را «انتقال تحرکی» نام می‌گذارد.

زلینسکی (۱۹۷۱: ۲۳۱-۲۳۰) استدلال می‌کند که نه تنها در تحرک افراد در جوامعی که در حال نوسازی هستند، توسعه‌ای عمومی به وجود آمده، بلکه مشخصه ویژه فرایندهای مهاجرت در دوره انتقال حیاتی در حال تغییر است: جوامع پیش از مدرن (مرحله ۱) به طور عمده به وسیله مهاجرت چرخشی / مدور محدود مشخص می‌شوند. در مرحله انتقالی اولیه، تمامی اشکال تحرک (چرخشی، مهاجرت روستایی، روستا - شهری داخلی و بین‌المللی) افزایش می‌یابند. در مرحله سوم، مهاجرت بین‌المللی به سرعت کاهش می‌یابد. مهاجرت‌های داخلی روستا - شهری ضعیف می‌شود، اما در سطح بالایی حرکت‌های چرخشی افزایش می‌یابد. در پایان مرحله سوم، مهاجرت روستایی به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد، برای مثال، تعدادی از کسانی که در شیوه‌های تولید محصولات کشاورزی فعالیت می‌کنند، حداقل بازده اقتصادی مطلوبی را دارند. در مرحله چهارم، تحرک مسکونی، شهر به شهر و مهاجرت چرخشی اهمیت می‌یابد، در این مرحله کشورها، مهاجران را به کشورهای مهاجرپذیر اعزام می‌کنند. یعنی افراد غیرمتخصص و نیمه‌ماهر خود را به کشورهای در حال توسعه ارسال می‌کنند. در مرحله آخر، اکثریت مهاجرت‌های داخلی، مهاجرت‌های مسکونی شهری - شهری است، در حالی که مهاجرت کارگران همچنان ادامه دارد (De Haas, 2008:12-14).

به این ترتیب، نظریه انتقال تحرکی زلینسکی تا حدودی با دیدگاه گسترده‌تر مهاجرت و توسعه همخوان است که سعی داریم با تصدیق این حقیقت که مهاجرت در مراحل اولیه توسعه، تمایل به ارتقا دارد، به این پردازیم که با پیشرفت در حمل و نقل، ارتباطات، جریان دانش، درک فرصت‌های اقتصادی محلی، و سطح رشد رفاه، قابلیت‌ها و تمایلات

مردم برای مهاجرت افزایش می‌یابد. زلینسکی سعی داشت نشان دهد که چگونه فرایندهای وابسته جمعیت‌شناختی و اقتصادی در مدرنیزاسیون بر الگوهای مهاجرتی تأثیر گذار بوده است.



شکل ۱. تأثیرات کلی توسعه بر الگوهای مهاجرت بر اساس مدل‌های انتقالی

بنابراین با عنایت به نظر زلینسکی، همگام با فرایند توسعه و در سطوح بالاتر آن، مهاجرت‌های روستا - شهر کاهش و مهاجرت‌های شهر به شهر و درون شهری افزایش پیدا می‌کنند. اما لازم است که ذکر شود، در این مراحل حرکتی (طی شده)، مهاجرت‌های روستا - شهری تغییراتی را در جوامع روستایی ایجاد می‌کنند و به نوعی خود این تغییرات صورت گرفته، یکی از ارکان کاهش در مراحل بالاتر می‌شوند.

چنانکه می‌دانیم، یکی از نیروهای محرک اصلی پویایی جمعیت روستایی مهاجرت بزرگسالان در سن کار است، چراکه بخش عمده‌ای از مهاجران روستایی کشورهای در حال توسعه، در حال حرکت به مناطق شهری خود هستند. این مهاجرت‌ها ساختارهای جمعیتی هر دو سمت مبدأ و مقصد را تغییر می‌دهند و متعاقب آن ساختارهای اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی به خصوص نقاط روستایی را تحت تأثیر شدید قرار می‌دهند. بنابراین مهاجرت می‌تواند به عنوان عامل اساسی شکل‌دهنده شاخص‌های سنی و جنسی در مناطق روستایی قلمداد شود که عوامل و پیامدهای آن از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است. در هر حال، خروج نیروهای جوان و باقی ماندن کودکان و سالخوردگان و زنان غیرفعال در روستاها در مناطق مختلف کشور، نسبت جنسی متفاوتی را هم در کل و هم در گروه‌های سنی نشان خواهد داد (Anríquez & Stloukal, 2008). علاوه

براین، درون کوچی تبعات دیگری نیز دارد: ۱. کشاورزان سابق، در همه جای دنیا، به احتمال قریب به یقین پذیرای مشاغل موسوم به D-3 (کشیف، خطرناک و مشکل) در کشور خود یا در کشورهای میزبان هستند و ۲. کشاورزانی که در رویای یافتن مشاغل جدید، مناطق روستایی را ترک می کنند، غالباً علاوه بر نقل مکان فیزیکی، به گونه ای دچار استحاله فرهنگی نیز می شوند (مارتین، ۱۳۸۳). همچنین با تراکم شدید جمعیت در شهرهای بزرگ و خالی شدن سریع روستاها، مشکلات اقتصادی - اجتماعی عظیمی در کشور ایجاد شده و الگوی استقرار جمعیت تغییر می کند (پناهی و پیشرو، ۱۳۹۰: ۴۲).

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با این موضوع مطالعات مختلفی در داخل کشور انجام شده است که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد.

- قاسمی اردهایی و حسینی راد (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «جریان های مهاجرت داخلی و ویژگی های مهاجران به تفکیک استان ها» این نتیجه رسیدند که در دوره ۸۵-۱۳۷۵، ۱۶ درصد جمعیت کشور ایران در داخل قلمرو سیاسی کشور جابجا شده اند. این درصد نسبت به دوره ۷۵-۱۳۶۵ (۱۴ درصد)، ۲/۷ درصد افزایش داشته است. این امر شدت یافتن جریان های مهاجرت داخلی را در دهه اخیر نسبت به دهه قبل نشان می دهد. آنها در مطالعه خود عنوان می کنند که در سال ۱۳۷۵ حدود ۳۵ درصد از مهاجرت های داخلی در بین استان های کشور و بقیه در درون استان ها صورت گرفته بود، در صورتی که در سال ۱۳۸۵ سهم مهاجرت های بین استانی به ۴۱ درصد افزایش یافته است. تغییر در درصدهای یاد شده، اهمیت یافتن جابجایی های با مسافت بیشتر را نسبت به مسافت کوتاه تر نشان می دهد. از ویژگی های دیگر جریان های مهاجرت داخلی سرشماری ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵، افزایش درصد مهاجرت های شهر به شهر و در مقابل کاهش درصد سایر جریان های مهاجرتی است. درصد مهاجرت های شهر به شهر در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ حدود ۶ درصد افزایش داشته است و مهاجرت های شهر به روستا، روستا به روستا و روستا به شهر به ترتیب ۱/۳، ۲/۲ و ۲/۴ درصد کاهش داشته اند.

- نتایج مطالعه مشفق (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی مهاجرت های داخلی ایران از سال

۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۵»، نشان می‌دهد که با وجود برخی بی‌نظمی‌های موقتی، الگوها و روندهای نسبتاً پایداری در نظام مهاجرت‌های بین استانی ایران وجود دارد. سطوح و روند شاخص‌های شدت مهاجرت در سطح ملی و منطقه‌ای نشان می‌دهد: طی ۳۰ سال گذشته جمعیت کشور تا حدود زیادی متحرک‌تر شده است. اثربخشی مهاجرت‌های بین استانی در توزیع مجدد جمعیت در سطح ملی طی سه دهه مورد مطالعه به‌طور اساسی کاهش یافته است، به عبارتی اثر مهاجرت‌ها در تغییرات نظام سکونتی کشور کمتر شده است. از سوی دیگر، میزان پیوستگی مهاجرت بین استانی طی سه دهه گذشته در ایران افزایش یافته، که نشان‌دهنده گسترش امکانات ارتباطی و گسترش شعاع مهاجرت‌های بین استانی در سطح ملی است. شاخص‌های ضریب جینی و ترجیح مکانی مهاجرت‌های بین استانی نشان‌دهنده وجود تمرکزگرایی زیاد در نظام مهاجرتی کشور است. البته این تمرکزگرایی ناشی از میل عوامل درآمد، اشتغال و سرمایه انسانی به تمرکز در نقاط ثقل ملی یعنی استان‌های کلان‌شهری کشور است.

- نتایج حاصل از مطالعه ایراندوست و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری» نشان می‌دهد: با وجود اینکه مبحث مهاجرت و گسترش شهرنشینی ناشی از مهاجرت در دو دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ بسیار پررنگ‌تر بوده و بیشترین تحولات اجتماعی - سیاسی کشور در دو دهه ۷۵-۱۳۵۵ روی داده است، بیشترین مهاجرت در میان جمعیت کشور به دهه ۸۵-۱۳۷۵ مربوط می‌شود. این تحول مسلماً پیوندی عمیق با مسئله شهرنشینی و گسترش الگوی سکونتی و زندگی شهری دارد. در واقع دهه‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵، به دلیل تحول ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور و آغاز روند مهاجرت شهری و روستایی شتابان، دوره‌ای تعیین‌کننده به حساب می‌آید، اما دهه ۸۵-۱۳۷۵ از نظر حجم و روند مهاجرت‌ها منحصر به فرد بوده است. از سوی دیگر این دهه با دگرگونی الگوی مهاجرت نیز همراه بوده است که با توجه به افزایش جمعیت و تعداد شهرها، الگوی مهاجرت شهر به شهر در حال افزایش بوده و تبدیل به الگوی مسلط مهاجرت شده است، به نحوی که امروزه مهاجرت شهر به شهر الگوی اصلی مهاجرت کشور به شمار می‌رود. این پژوهش نشان می‌دهد که در ۱۵ سال اخیر میزان مهاجرت‌های شهر به شهر بین استانی به تدریج رو به کاهش بوده است و مهاجرت‌های شهر به شهر بیشتر به ابعاد فاصله‌ای کم و درون منطقه‌ای متمایل شده‌اند.

مهاجرت روستا به شهر، سهم کمتری از مهاجرت کل را داشته که بیشتر در ابعاد درون شهرستان رخ داده که این الگو فزونی محسوسی در چند ساله اخیر داشته و در مقابل مهاجرت روستا شهری بین استانی کاهش قابل توجهی داشته است. در مجموع مهاجرت در سال‌های اخیر ضمن گرایش بیشتر به الگوی شهر به شهر، بیشتر به مهاجرت کوتاه و درون‌استانی متمایل شده است.

- نتایج مطالعه قاسمی سیانی (۱۳۸۸) نیز که با عنوان «پیامدهای مهاجرت روستا - شهری نسل جوان روستایی» انجام شده است، نشان می‌دهد که مهاجرت‌های جوانان روستایی دو نوع پیامد مثبت و منفی داشته است. پیامدهای مثبت مواردی چون بهبود وضعیت اقتصادی، افزایش آگاهی جوانان، آموزش بهتر، روابط اجتماعی و گذران اوقات فراغت جوانان بوده است و پیامدهای منفی شامل قطع ارتباط جوان با خانواده خود در روستا و مسائل مرتبط با آن به برهم خوردن نسبت جنسی در روستاها و شهرها و آثار دیگری چون بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی در هر یک از حوزه‌ها را نشان داده است. مرور مطالعات نشان می‌دهد: هر چند در این گونه مطالعات در مورد مهاجرت‌های داخلی و مهاجرت‌های روستایی مباحثی صورت گرفته، به‌طور خاص روی مهاجرت‌های روستایی و پیامدهای خاص آن بر جامعه روستایی تأکید نشده است. در این مقاله سعی شده به‌طور ویژه به مهاجرت‌های روستایی، روندها و جریان‌های این نوع مهاجرت در کل کشور پرداخته شده و پیامدهای آن بر جامعه روستایی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۳. روش پژوهش

در این تحقیق از روش مطالعه اسنادی استفاده شده است. بدین صورت که با مراجعه به کتب، تحقیقات انجام شده، آمارگیری‌های نمونه‌ای و به‌ویژه نتایج سرشماری‌های جمعیتی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ اطلاعات و آمارهای لازم جمع‌آوری و تحلیل شده است. روش مطالعه حاضر، اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، آمارگیری‌های نمونه‌ای و سایر یافته‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه است. جامعه آماری، جمعیت روستایی کل کشور است که اطلاعات آنها از داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، آمارگیری‌های نمونه‌ای و سایر آمار و اطلاعات ثبتی در مورد خصوصیات جمعیتی جامعه روستایی ایران کسب شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

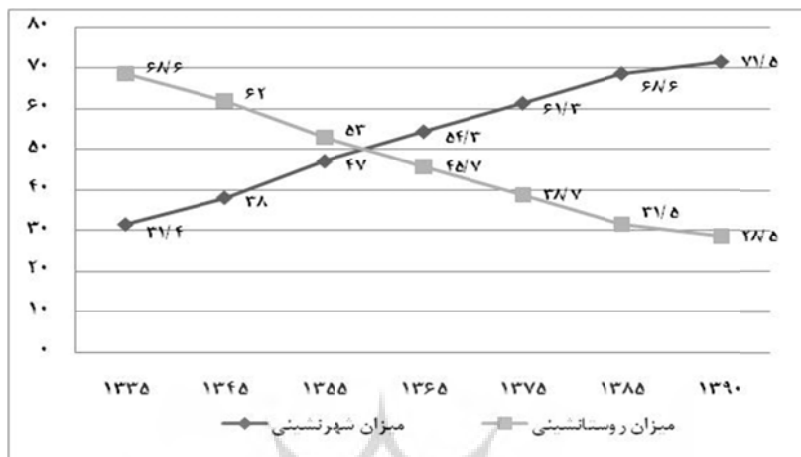
۴-۱. تحولات جمعیت روستایی و شهری در ایران

آمارهای به دست آمده از سرشماری‌های سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ در کشور نشان می‌دهد: در این هفت سرشماری، به تدریج از درصد جمعیت روستایی کاسته شده و نسبت جمعیت روستایی سیر نزولی پیدا کرد. جدول ۱ تعداد و درصد جمعیت کل، نقاط شهری و روستایی ایران را طی هفت سرشماری نشان می‌دهد. با توجه به جدول، ملاحظه می‌شود که در سال ۱۳۳۵، حدود ۶۹ درصد از جمعیت کشور را ساکنان مناطق روستایی تشکیل می‌دادند، در حالی که در سال ۱۳۹۰ این نسبت به ۲۸/۵ درصد کاهش می‌یابد. این کاهش در سرشماری‌های ذکر شده سیر نزولی مرتبی داشته است.

جدول ۱. تعداد و درصد جمعیت کل، نقاط شهری و روستایی ایران طی سرشماری‌های ۱۳۳۵ الی ۱۳۹۰

نقاط روستایی		نقاط شهری		جمعیت کل کشور	سال
درصد	جمعیت	درصد	جمعیت		
۶۸/۶	۱۲۹۵۲۰۸۲	۳۱/۴	۶۰۰۲۶۲۱	۱۸۹۵۴۷۰۴	۱۳۳۵
۶۲	۱۵۹۹۳۹۱۲	۳۸/۰	۹۷۹۵۸۱۰	۲۵۷۸۸۷۲۲	۱۳۴۵
۵۳	۱۷۸۵۴۰۶۴	۴۷/۰	۱۵۸۵۴۶۸۰	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۳۵۵
۴۵/۷	۲۲۶۰۰۴۴۹	۵۴/۳	۲۶۸۴۴۵۶۱	۴۹۴۴۵۰۱۰	۱۳۶۵
۳۸/۷	۲۳۳۳۷۶۹۹	۶۱/۳	۳۶۸۱۷۷۸۹	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱۳۷۵
۳۱/۵	۲۲۳۳۵۸۱۸	۶۸/۶	۴۸۲۵۹۹۶۴	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۳۸۵
۲۸/۵	۲۱۴۴۶۷۸۳	۷۱/۵	۵۳۶۴۶۶۶۱	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱۳۹۰

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵-۱۳۹۰



نمودار ۱. تحولات میزان‌های روستائیشینی و شهرنشینی در ایران، ۱۳۳۵-۱۳۹۰

این آمارها همچنین نشان می‌دهند که نسبت جمعیت شهری در کشور که تا سال ۱۳۳۵ به بیش از ۳۱ درصد رسیده بود، به تدریج نرخ رشد آن شتاب گرفت و تا سال ۱۳۵۵ به ۴۷ درصد رسید. در مجموع جمعیت شهری در سه دهه پیش از انقلاب تا سال‌های ابتدایی انقلاب با نرخ بالای پنج درصد افزایش یافت که بالاترین نرخ رشد در تاریخ شهرنشینی ایران به شمار می‌رود (جدول ۲). این افزایش در زمان قبل از انقلاب، معلول سیاست‌های کل سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت کشور در چارچوب شهرگرایی و صنعتی نمودن کشور به همراه آزاد شدن نیروهای روستایی از قالب نظام ارباب - رعیتی توأم با افزایش بیکاری، فقر، محرومیت و نداشتن زمین مناسب کشت برای بسیاری از روستائینان، زمینه را برای مهاجرت‌های فردی و خانوادگی روستائیان به سمت شهرها ایجاد و باعث افزایش نرخ رشد جمعیت شهرهای کشور شد (ایراندوست و دیگران، ۱۳۹۲).

همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۰ سیر صعودی افزایش جمعیت شهری و جمعیت روستایی ادامه داشت، اگرچه که نسبت جمعیت روستایی همواره در حال کاهش بوده است. با وجود این، نرخ رشد جمعیت شهری و روستایی در این دوره زمانی نشان می‌دهد که نرخ رشد جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی بسیار بالاتر بوده است. در این دوره به دلیل بروز جنگ تحمیلی و تخریب بسیاری از روستاهای غرب

کشور، سیاست‌های حمایتی و مشوقی دولت در ارائه زمین شهری و تسهیلات آموزشی بهداشتی به متقاضیان زندگی در شهرها، افزایش مولید و جمعیت در روستاها و در پی آن بالا رفتن نرخ بیکاری و فقر، وقوع خشکسالی به همراه افزایش ارتباطات روستا - شهری و در نتیجه افزایش آگاهی روستائیان از مزیت‌های زندگی شهری که با تجمع امکانات اجتماعی - اقتصادی و رفاهی - معیشتی در این کانون‌ها همراه بود، عاملی مهم در گسترش جریان‌های مهاجرتی روستائیان به سمت شهرها و بالا رفتن جمعیت شهرهای کشور طی دهه اول بعد از انقلاب شد که در مجموع درصد مهاجرت سالانه تا سال ۱۳۸۵ رو به افزایش بوده، اما در پنج ساله ۸۵ تا ۹۰ این میزان به نحو چشمگیری کاهش یافته است (همان).

کاهش نسبی جمعیت روستایی و برعکس، افزایش نسبی جمعیت شهری طی سرشماری‌های گذشته، علاوه بر عامل مهاجرت‌های روستا - شهری که در بالا ذکر شده، از چندین عامل مهم دیگر نیز تأثیر پذیرفته که عبارتند از: ۱. پیوستن و ادغام روستا به شهر و ۲. تبدیل روستا به شهر. تعیین سهم و اهمیت هر یک از موارد یادشده در بالا بردن نسبت شهرنشینی کشور در دهه‌های اخیر مشکل (و تا حدودی ناممکن) است و نیاز به بررسی آماری و جغرافیایی دقیقی دارد. برای نمونه، جهت تحلیل تأثیر تبدیل روستا به شهر در میزان رشد مناطق روستایی مثالی از استان آذربایجان شرقی آورده می‌شود. براساس آمار اعلام شده مرکز آمار ایران، مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی طی سرشماری ۸۵-۱۳۷۵ رشدی حدود ۰/۹۵- درصد دارد. این در حالی است که طی این دوره، ۱۷ شهر جدید به جمع شهرهای این استان اضافه شده است که پیش از این جزء مناطق روستایی محسوب می‌شدند. این ۱۷ شهر روی هم رفته ۵۶۸۵۰ نفر جمعیت دارند. با بازگرداندن جمعیت این شهرها به جمعیت مناطق روستایی، جمعیت مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی از میزان رشد ۰/۴۹- درصد برخوردار می‌شود. ملاحظه می‌شود که تبدیل جوامع روستایی به شهر تأثیر عمده‌ای در کاهش میزان رشد مناطق روستایی و بالطبع افزایش میزان رشد جوامع شهری دارد. با وجود این، جوامع روستایی همچنان رشد منفی دارند (قاسمی اردهائی، ۱۳۹۲).

با همه این تفاسیر، از دلایل کاهش جمعیت روستایی و افزایش جمعیت شهری، می‌توان به مهاجرت‌های روستا - شهری و تبدیل روستاها به شهر اشاره کرد. مهاجرت

روستا - شهر در ایران تأثیر عمده‌ای در کاهش میزان رشد جوامع روستایی داشته است. این تأثیر در جدول ۲ به خوبی نمایان است. جدول مذکور، متوسط رشد سالانه جمعیت کل، روستایی و شهری را در دوره‌های سرشماری به درصد نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که رشد جمعیت روستایی در سال‌های ۴۵-۱۳۳۵ حدود ۲/۱ درصد بوده و در دوره ۵۵-۱۳۴۵ به ۱/۱ درصد کاهش می‌یابد. این کاهش صریح، بیشتر به مهاجرت‌های روستا-شهر برآمده از دو عامل اصلاحات ارضی و سیاست‌های توسعه در ایران برمی‌گردد. در نتیجه اصلاحات ارضی و مسائل اجتماعی و اقتصادی برآمده از آن، بسیاری از کشاورزان در جوامع روستایی بیکار شده، بنابراین جمعیت عظیمی از روستاییان به شهرها مهاجرت کردند. گرچه در دوره ۶۵-۱۳۵۵ رشد جمعیت روستایی ۲/۳ درصد بوده است، باید توجه داشت که این دوره از لحاظ جمعیت‌شناسی دوران اوج رشد جمعیت ایران محسوب شده و با توجه به نرخ رشد مناطق شهری و کل کشور، نرخ رشد مناطق روستایی در حد پایینی بوده است. نکته قابل توجه، نرخ‌های رشد ۰/۳ و ۰/۴- درصدی مناطق روستایی در سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ و ۸۵-۱۳۷۵ است. نرخ رشدی که سرعت به تجزیه رفتن جمعیت مناطق روستایی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که طی دوره ۸۵-۱۳۷۵، نرخ رشد جمعیت روستایی منفی شده و در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ این رشد منفی سرعت بیشتری یافته است.

جدول ۲. متوسط رشد سالانه جمعیت کل، روستایی و شهری ایران طی دوره‌های سرشماری ۱۳۹۰-۱۳۳۵

مناطق و دوره	۱۳۳۵-۴۵	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰
کل کشور	۳/۱	۲/۷	۳/۹	۲	۱/۶	۱/۲۹
مناطق شهری	۵/۱	۴/۹	۵/۴	۳/۲	۲/۷	۲/۱۴
مناطق روستایی	۲/۱	۱/۱	۲/۳	۰/۳	-۰/۴	-۰/۶۳

منبع: مرکز آمار ایران، محاسبه شده بر اساس سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰-۱۳۳۵

بنابراین رشد جمعیت روستایی از سال ۱۳۶۵ به بعد روند کاهشی پیدا کرده و در دوره‌های اخیر منفی می‌شود، چنانکه درصد جمعیت روستایی از سال ۱۳۶۵ به بعد به شدت کاهش یافته و به حدود ۲۸/۵ درصد از کل جمعیت کشور در سال ۱۳۹۰ می‌رسد.

۲-۴. تحولات مهاجرت‌های روستا-شهری در ایران

بررسی داده‌های جمعیتی چند دهه اخیر واقعیت‌های جالبی را در زمینه روند مهاجرت در

ایران نشان می‌دهد. رقم خام مهاجرت کشور طی دوره‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ روندی افزایشی داشته است، به نحوی که از ۵ میلیون و ۲۲۴ هزار و ۷۹۰ در دوره ۵۵-۱۳۴۵ به ۱۲ میلیون و ۱۴۸ هزار و ۱۴۸ در دوره ۸۵-۱۳۷۵ و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۵ میلیون و ۵۳۴ هزار و ۶۶۶ نفر رسیده است. نسبت تعداد مهاجران به کل جمعیت کشور، به صورت سالانه طی دوره‌های ۹۰-۱۳۴۵ نشان می‌دهد: این نسبت برای کل کشور طی دوره‌های ۵۵-۱۳۴۵ (۱۷/۸)، ۶۵-۱۳۵۵ (۱۴/۰)، ۷۵-۱۳۶۵ (۱۶/۰)، ۸۵-۱۳۷۵ (۱۸/۶) و ۹۰-۱۳۸۵ (۱۵/۲) در هزار نفر بوده است. واقعیت این است که این سه دهه، اوج تحولات جمعیتی کشور و همراه با برهم خوردن توازن جمعیتی شهری - روستایی و سنگین شدن کفه جمعیتی شهری بوده است (جدول ۳). این آهنگ مهاجرت با اندک تغییری در دوره ۵ ساله اخیر (۹۰-۱۳۸۵) نیز حفظ شده است.

علاوه بر رقم خام مهاجرت، شاخص درصد مهاجرت از کل جمعیت در سال، نشان‌دهنده روشن روند افزایشی و سپس کاهش مهاجرت است. این شاخص در دهه ۶۵-۱۳۵۵ به طور متوسط ۱/۴ بوده که تا دهه ۸۵-۱۳۷۵ به رقم ۱/۸۶ رسیده است. این رقم طی پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ به طور متوسط به ۱/۵۲ رسیده که نشان‌دهنده میزان نسبتاً پایین آن به نسبت دوره قبل در دوره ۹۰-۱۳۸۵ است. البته کاهش چشمگیر این رقم به مفهوم کاهش رقم خالص مهاجرت در کشور نبوده، بلکه به معنی کاهش نسبت درصد افراد مهاجر به کل جمعیت در آن دوره بوده است. این در شرایطی است که پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ بالاترین میزان رشد نسبت سهم جمعیت شهری تجربه شده است، به طوری که در هر سال به طور میانگین یک درصد به جمعیت شهری افزوده شده و به ۷۰ درصد کل جمعیت کشور رسیده است (ایراندوست و دیگران، ۱۳۹۲). در مجموع نکته قابل توجه در این رابطه، روند کاهش در کل مهاجرت است که گمان می‌رود در سال‌های آینده نیز ادامه یابد. اگر وقایع غیرقابل پیش‌بینی را کنار بگذاریم، کند شدن آهنگ تحولات ساختاری اقتصادی کشور که بر پراکنش و وزن کانون‌های جمعیتی مؤثر است، عامل اصلی این روند به شمار می‌رود. در این رابطه نکته قابل توجه، روند افزایش جمعیت شهرنشین کشور از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۷۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ است که آن نیز با آهنگی کندتر ادامه خواهد یافت (همان).

جدول ۳. تعداد کل مهاجرت در کشور در و نرخ رشد آن در دوره‌های آماری مختلف

دوره زمانی	کل مهاجران کشور	نسبت مهاجر به جمعیت** (به صورت سالانه)
۱۳۴۵-۵۵*	۵۲۲۴۷۹۰	۱۷/۸
۱۳۵۵-۶۵	۵۸۲۰۶۲۵	۱۴/۰
۱۳۶۵-۷۵	۸۷۱۸۷۷۰	۱۶/۰
۱۳۷۵-۸۵	۱۲۱۴۸۱۴۸	۱۸/۶
۱۳۸۵-۹۰	۵۵۳۴۶۶۶	۱۵/۲

* مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵-۹۰
 ** برای محاسبه این شاخص ابتدا تعداد مهاجران را به کل جمعیت میان دوره تقسیم و در عدد ۱۰۰۰ ضرب می‌کنیم، سپس نتیجه را بر طول دوره سرشماری تقسیم کرده تا نسبت مهاجر به جمعیت به صورت سالانه به دست بیاید.
 منبع: مشفق، ۱۳۸۷

طبق آمارهای جدول شماره ۴ در دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، از کل مهاجرت در کشور، مهاجرت به شهرها همواره بالاتر از مهاجرت به روستا بوده است و همواره بیش از ۷۰ درصد مهاجرت‌ها به سمت مناطق شهری بوده است، به طوری که در دهه ۱۳۴۵-۵۵، ۸۱/۶ درصد و در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۰، نیز ۷۷/۸ درصد مهاجرت‌ها به سمت شهرها بوده است. روند مهاجرت به شهرها در دوره زمانی ۱۳۶۵-۷۵، ۱۳۷۵-۸۵ و ۱۳۸۵-۹۰ همواره روندی افزایشی داشته و به ترتیب ۷۲/۰، ۷۰/۶، ۷۴/۰ و ۷۷/۸ درصد از کل مهاجرت در کشور بوده است. همچنین در چهار دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵، مهاجرت به روستاها از لحاظ رقم خام مهاجرت افزایش داشته، اما در درصد کل مهاجرت در کشور، حرکت سینوسی داشته است. با این حال در دهه‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ همواره ۲۵ درصد از کل مهاجرت‌ها در کشور را به خود اختصاص می‌داده، اما از دوره ۱۳۸۵-۹۰، هم رقم خام مهاجرت و هم درصد کل مهاجرت‌ها به روستا کاهش چشمگیری پیدا کرده است. نکته مهم در جریان‌های مهاجرتی کشور، کاهش درصد مهاجرت روستا به شهر از ۳۲/۹ درصد در دوره زمانی ۱۳۵۵-۶۵ به ۱۲/۹ درصد در دوره زمانی ۱۳۸۵-۹۰ بوده است. در این دوره، مهاجرت شهر به شهر از ۳۷/۹ درصد به ۶۴/۰۴ درصد رسیده است. اما مهاجرت شهر به روستا به تدریج از ۱۸/۲ درصد در دوره زمانی ۱۳۶۵-۷۵ به ۱۴/۸ درصد در دوره زمانی ۱۳۸۵-۹۰ کاهش یافته است. همچنین مهاجرت روستا به روستا نیز از ۱۴ درصد در دوره زمانی ۱۳۵۵-۶۵ با کاهش چشمگیر به ۷/۲ درصد در دوره زمانی ۱۳۸۵-۹۰ رسیده است.

البته بخشی از این تغییرات، مربوط به تغییرات مخرج کسر یا همان تعداد جمعیت

مهاجرت‌های روستایی در ایران و پیامدهای آن بر جامعه روستایی ۲۰۵

روستایی و شهری در کشور است. برای هر دوره، میزان مهاجران شهری و روستایی بر اساس سهم هر یک از آنها در کل جمعیت شهری و روستایی کشور محاسبه شد (برای مثال، سهم مهاجران روستایی بر اساس سهم جمعیت روستایی در کشور). این محاسبه حداقل برای دوره آماری ۹۰-۱۳۸۵ نشان می‌دهد که مجموع مهاجران شهر به شهر ۶/۱ درصد از کل جمعیت شهری را شامل می‌شوند و مهاجران روستا به شهر، ۳/۱ درصد از کل جمعیت روستایی را شامل می‌شوند که در اینجا باز مشخص است که نسبت مهاجرت در میان شهرنشینان دو برابر روستاییان است. همچنین نسبت هر کدام از انواع مهاجرت‌ها به کل جمعیت شهری و روستایی کشور محاسبه شده است. بر اساس یافته‌های جدول زیر سهم مهاجرت شهر به شهر نسبت به جمعیت شهری به صورت سالانه طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ تا دوره ۸۵-۱۳۷۵ افزایش و در دوره ۹۰-۱۳۸۵ کاهش یافته است، این وضعیت در همه انواع دیگر مهاجرت (روستا به شهر، شهر به روستا و روستا به روستا)، کل مهاجرت به روستا و کل مهاجرت به شهر به ترتیب نسبت به جمعیت روستایی و شهری مشاهده می‌شود. این به نوبه خود تغییر در الگوی مهاجرتی را به وضوح نشان می‌دهد. همچنین واقعیت دیگر این است که مهاجرت شهر به روستا نیز با توجه مخارج‌های کسر، در حال کاهش است و نشانگر تغییر در الگوهای مهاجرتی است.

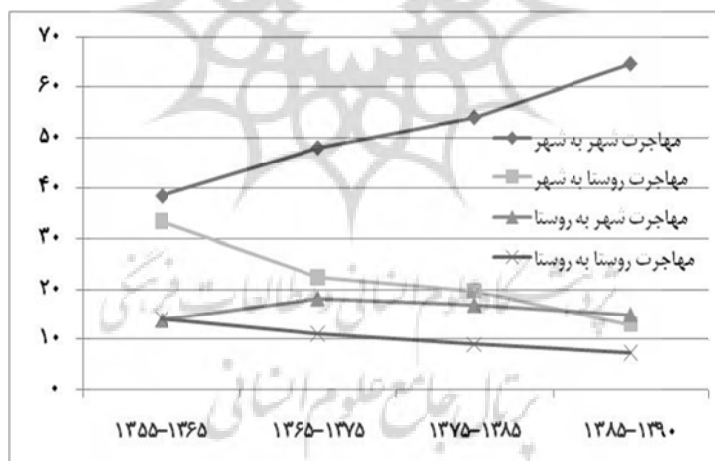
جدول ۴. تعداد و نسبت انواع مهاجرت کشور در دوره‌های سرشماری مختلف

۱۳۴۵-۱۳۵۵		۱۳۵۵-۱۳۶۵		۱۳۶۵-۱۳۷۵		۱۳۷۵-۱۳۸۵		۱۳۸۵-۱۳۹۰		نوع مهاجرت
نسبت به کل مهاجرت	تعداد	نسبت به کل مهاجرت	تعداد	نسبت به کل مهاجرت	تعداد	نسبت به کل مهاجرت	تعداد	نسبت به کل مهاجرت	تعداد	
-	۱۵۴۹۶۶۱	۱۰۰	۵۴۷۶۰۰۸	۱۰۰	۸۴۸۰۴۳۹	۱۰۰	۱۱۷۸۳۷۲۲	۱۰۰	۵۰۸۹۳۵۴	کل مهاجرت
-	-	۳۷/۹	۲۰۷۷۲۱۳	۴۷/۹	۴۰۶۲۱۷۱	۵۴/۲	۶۳۸۵۶۶۵	۶۴/۰۳	۳۲۵۹۰۴۰	مهاجرت شهر به شهر
-	-	۳۲/۹	۱۸۰۲۷۸۲	۲۲/۳	۱۸۸۹۹۰۵	۱۹/۸	۳۳۳۰۰۵۴	۱۲/۹	۶۵۵۲۵۱	مهاجرت روستا به شهر
-	-	۱۲/۶	۷۴۷۰۷۲	۱۸/۲	۱۵۴۰۶۹۴	۱۷/۰	۲۰۰۴۰۱۲	۱۴/۸	۷۵۵۵۴۶	مهاجرت شهر به روستا
-	-	۱۴/۰	۷۶۵۳۰۹	۱۱/۱	۹۴۳۰۹۵	۹/۰۳	۱۰۶۴۰۴۳	۷/۲	۳۶۸۷۰۸	مهاجرت روستا به روستا
۱۸/۴	۲۸۵۱۰۳	۲۸/۰	۱۵۳۱۴۱۰	۲۹/۴	۲۴۹۵۴۷۸	۲۶/۰	۳۰۶۸۰۵۴	۲۲/۲	۱۱۳۲۰۴۰	کل مهاجرت به روستا
۸۱/۶	۱۲۶۴۵۵۸	۷۲/۰	۳۹۴۴۵۹۸	۷۰/۶	۵۹۸۴۹۶۱	۷۴/۰	۸۷۱۵۷۱۸	۷۷/۸	۳۹۵۷۳۱۴	کل مهاجرت به شهر

ادامه جدول ۴. تعداد و نسبت انواع مهاجرت کشور در دوره‌های سرشماری مختلف

۱۳۴۵-۱۳۵۵		۱۳۵۵-۱۳۶۵		۱۳۶۵-۱۳۷۵		۱۳۷۵-۱۳۸۵		۱۳۸۵-۱۳۹۰		نوع مهاجرت
نسبت به کل مهاجرت	تعداد	نسبت به کل مهاجرت	تعداد	نسبت به کل مهاجرت	تعداد	نسبت به کل مهاجرت	تعداد	نسبت به کل مهاجرت	تعداد	
نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	---	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	---	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	---	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	---	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	---	کل مهاجرت
نسبت مهاجرت شهری به جمعیت شهری (سالانه)	---	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت شهری (سالانه)	۰/۷۷	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت شهری (سالانه)	۱/۱۰	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت شهری (سالانه)	۱/۳۲	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت شهری (سالانه)	۱/۲۲	مهاجرت شهر به شهر
نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت شهری (سالانه)	---	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت شهری (سالانه)	۰/۸۰	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت شهری (سالانه)	۰/۸۱	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت شهری (سالانه)	۱/۰۵	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت شهری (سالانه)	۰/۶۱	مهاجرت روستا به شهر
نسبت مهاجرت شهری به جمعیت روستایی (سالانه)	---	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت روستایی (سالانه)	۰/۲۸	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت روستایی (سالانه)	۰/۴۲	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت روستایی (سالانه)	۰/۴۲	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت روستایی (سالانه)	۰/۲۸	مهاجرت شهر به روستا
نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	---	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	۰/۳۴	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	۰/۴۱	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	۰/۴۸	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	۰/۳۴	مهاجرت روستا به روستا
نسبت مهاجرت شهری به جمعیت شهری (سالانه)	۰/۱۶	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت شهری (سالانه)	۰/۶۸	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت شهری (سالانه)	۱/۰۷	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت شهری (سالانه)	۱/۳۹	نسبت مهاجرت شهری به جمعیت شهری (سالانه)	۱/۰۶	کل مهاجرت به روستا
نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	۰/۸۰	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	۱/۴۷	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	۱/۶۳	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	۱/۸۱	نسبت مهاجرت روستایی به جمعیت روستایی (سالانه)	۱/۴۸	کل مهاجرت به شهر

منبع: مرکز آمار ایران، محاسبه شده بر اساس سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۴۵-۱۳۹۰



نمودار ۲. تولرات انواع مهاجرت‌های داخلی در ایران، ۱۳۳۵-۱۳۹۰

آنچه از این جدول‌ها و به خصوص نمودار شماره ۲ مستفاد می‌شود، نشان می‌دهد که در درجه نخست، شاهد افزایش در سه دهه اخیر (۱۳۶۵-۱۳۹۰) در مهاجرت به شهرها بودیم

و دیگر اینکه کاهش در مهاجرت به روستا اتفاق افتاده است. همچنین شاهد کاهش چشمگیر در مهاجرت شهر به روستا و روستا به روستا هستیم. به سخن دیگر، جریان‌های مهاجرتی در ایران به تدریج به سمت شهر به شهر، با دربرگیری حدود دو سوم از کل مهاجرت‌ها (بر طبق سرشماری ۱۳۹۰) پیش می‌رود. پس آنچه روشن است، با تغییر و تحولات روی داده در جامعه ایران و تغییرات اتفاق افتاده در ساختار جمعیتی و توسعه‌ای آن، به تدریج مهاجرت‌های روستا-شهری کم‌رنگ شده و به سمت مهاجرت‌های شهر به شهر و مهاجرت‌های بین‌المللی حرکت خواهد کرد.

۳-۴. پیامدهای مهاجرت روستا-شهری در ایران

بخشی از تحولات و تغییرات الگوهای مهاجرتی در ایران به دلیل پیامدهای مهاجرت‌های پیشین و فعلی به خصوص مهاجرت‌های روستا-شهری در کشور است. جوانان روستایی به دلایل مختلف (به ویژه کمبود فرصت‌های شغلی، عدم جذابیت محیط بسته روستایی و نامطلوب بودن کار کشاورزی به شکل سنتی و بخور و نمیر آن) تصمیم به مهاجرت می‌گیرند و تمایل کمتری برای بازگشت به روستا دارند. طبق یک تحقیق میدانی در شهر همدان، ۸۷ درصد افراد مهاجر به شهر، با وجود مشکلات موجود تمایل نداشتند به روستاهای خود برگردند (نقدی، ۱۳۸۶: ۲۵۰). همچنین نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که مهاجران از جمله مهاجرین روستا-شهری عموماً جوان، باسواد و نخبگان روستایی هستند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که جوان و نخبه‌گزين بودن مهاجرت‌های روستایی، از جمله عواملی است که فرایند توسعه درون‌زا و روند بهبود شرایط زندگی در روستاها را مختل می‌کند (زاهدی، ۱۳۸۳: ۲۳۹) و در نتیجه در جامعه روستایی، جمعیت پیر و سالخورده و در نواحی شهری، جمعیت جوان مشاهده می‌شود. افزایش سریع جمعیت شهری نیز تغییرات مهمی در ترکیب سنی و جنسی جمعیت به وجود می‌آورد و شهرها را با معضلات ناشی از آن مواجه می‌کند، چراکه هجوم جوانان روستایی به شهرها موجب افزایش سریع جمعیت شهری در گروه سنی جوانان می‌شود و نسبت این گروه به سایر گروه‌ها نامتعادل شده و آنها را با مسائلی نظیر اشتغال، مسکن و غیره مواجه می‌کند (نقدی، پیشین). چنانکه ذکر شد، مهاجرت در مناطق روستایی در نتیجه گرایش‌های شهرنشینی و محدودیت امکانات کشاورزی و فرصت‌های شغلی، فاصله درآمدی و بهره‌وری کار و

سرمایه، محدودیت امکانات زندگی و رفاهی و... روستایی است. بنابراین مهاجرت در گروه‌های سنی فعالیت اقتصادی بیشتر از سایر گروه‌ها صورت می‌گیرد و این گروه‌ها بیشتر مردان، نخبگان و جوانان هستند. این امر باعث خالی شدن روستاها از جمعیت فعال اقتصادی، اختلال در توسعه درون‌زا در روستاها، برهم خوردن نظم هرم سنی و ساختمان سنی جمعیت می‌شود که از پیامدهای آن، کاهش سهم جمعیت جوان روستایی، سالخوردگی جمعیت، سالخوردگی و زنانه شدن نیروی کار روستایی و به دنبال آن ضعف بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی روستاها و فروپاشی جامعه روستایی است که نمود بارز آن، جمعیت‌زدایی و تخلیه روستاهاست. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در سرشماری سال ۱۳۳۵ از کل جمعیت روستایی کشور ۴۳/۰۵ درصد در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال قرار داشتند. این میزان با افزایش تدریجی در سال ۱۳۶۵ به ۴۸/۵ می‌رسد. اما از سال ۱۳۷۵ سهم جمعیت ۱۵ ساله و کمتر کاهش یافته و در این سال به ۴۲/۵ و در سال ۱۳۸۵ به ۲۸ و در سال ۱۳۹۰ به ۲۶/۹ درصد کاهش پیدا می‌کند (جدول ۶).

جدول ۵. مشخصه‌های اصلی سنی جمعیت روستایی ایران در سال‌های (۱۳۳۵-۱۳۹۰)

سال	جمعیت کودکان (۱۴ تا ۱۰ ساله)	جمعیت در سن کار (۱۵-۶۴)	جمعیت سالخورده (بالای ۶۵ سال)	میانگین سنی	میان سنی
۱۳۳۵	۴۳/۱	۵۲/۷	۴/۲	-	۲۰/۰
۱۳۴۵	۴۷/۴	۴۸/۵	۴/۱	۲۲/۱	۱۶/۳
۱۳۵۵	۴۷/۷	۴۸/۶	۳/۷	۲۲/۰	۱۶/۰
۱۳۶۵	۴۸/۵	۴۸/۳	۳/۱	۲۱/۲	۱۵/۶
۱۳۷۵	۴۲/۶	۵۲/۶	۴/۸	۲۳/۳	۱۸/۱
۱۳۸۵	۲۸/۰	۶۵/۹	۶/۱	۲۷/۲	۲۳/۲
۱۳۹۰	۲۶/۱	۶۷/۴	۶/۵	۲۸/۹	۲۶/۰

منبع: مرکز آمار ایران، محاسبه شده بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵-۱۳۹۰

این داده‌ها نشانگر این است که از جوانی جمعیت کشور در سه دوره سرشماری ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ کاسته شده است. تغییرات در این سه سرشماری، بیانگر کاهش ۱۶/۵ درصدی جمعیت در گروه‌های کمتر از ۱۵ سال و افزایش ۱۴/۸ درصدی گروه‌های سنی ۱۵-۶۴ سال و نیز افزایش بیش از ۱/۶۵ درصدی سالمندان است. این ارقام، گویای این امر است که جمعیت در حال حرکت به سمت سالمندی است. در بین نقاط شهری نیز، گروه‌های

مهاجرت‌های روستایی در ایران و پیامدهای آن بر جامعه روستایی ۲۰۹

سنی کمتر از ۱۵ سال از ۳۷/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در مقایسه نقاط شهری و روستایی می‌توان گفت: کاهش گروه‌های سنی کمتر از ۱۵ سال و افزایش سالخوردگی در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری بوده است که علت اصلی این امر، خروج بخش عظیمی از جمعیت جوان و در سن ازدواج و باروری از نقاط روستایی به نقاط شهری است. در مقایسه میان جوانی جمعیت در نقاط شهری و روستایی در این سه سرشماری، به نظر می‌رسد جمعیت نقاط روستایی به نسبت جمعیت نقاط شهری جوان‌تر است. در واقع نسبت جمعیت زیر ۱۴ سال و بالای ۶۵ سال در جامعه روستایی بیشتر از جامعه شهری است و این امر نشان می‌دهد: خردسالان و کهنسالان درصد بیشتری از جمعیت را در جوامع روستایی در بر می‌گیرند.

جدول ۶. توزیع نسبی جمعیت کشور بر حسب گروه‌های عمده سنی ۱۳۷۵-۱۳۹۰

روستایی				شهری				کل				سرشماری‌ها
جمع	+۶۵	۱۵-۶۴	۰-۱۴	جمع	+۶۵	۱۵-۶۴	۰-۱۴	جمع	+۶۵	۱۵-۶۴	۰-۱۴	
۱۰۰	۴/۸۷	۵۲/۵۵	۴۲/۵۸	۱۰۰	۴/۰۷	۵۸/۳۸	۳۷/۵۵	۱۰۰	۴/۴	۵۶/۱	۳۹/۵	۱۳۷۵
۱۰۰	۶/۱۰	۶۵/۸۴	۲۸/۰۶	۱۰۰	۴/۷۶	۷۱/۵۳	۲۳/۷	۱۰۰	۵/۲	۶۹/۷	۲۵/۱	۱۳۸۵
۱۰۰	۶/۵	۶۷/۴	۲۶/۱	۱۰۰	۵/۴	۷۲/۳	۲۲/۳	۱۰۰	۵/۷	۷۰/۹	۲۳/۴	۱۳۹۰

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵-۱۳۹۰

در حوزه ساختار سنی و میانگین سنی جمعیت ساکن در روستاهای کشور نیز، بررسی آمار سرشماری‌های مختلف نشان می‌دهد: جمعیت روستایی به سمت پیرتر شدن و تغییر ساختار سنی در حرکت است. بررسی روند میانگین سن روستاییان در چند دهه گذشته به وضوح حاکی از پیر شدن جمعیت روستاهاست (جدول ۷).

جدول ۷. تحولات میانگین سنی جمعیت شهری و روستایی ایران (۱۳۵۵-۱۳۹۰)

سال	کل کشور			نقاط شهری		نقاط روستایی	
	مرد و زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۵۵	۲۲/۴	۲۲/۶	۲۲/۲	۲۳/۰	۲۲/۸	۲۲/۲	۲۱/۷
۱۳۶۵	۲۱/۷	۲۱/۹	۲۱/۶	۲۲/۳	۲۲/۱	۲۱/۴	۲۱/۰
۱۳۷۰	۲۲/۱	۲۲/۴	۲۱/۹	۲۳/۰	۲۲/۳	۲۱/۷	۲۱/۳
۱۳۷۵	۲۴/۰	۲۴/۲	۲۳/۹	۲۴/۷	۲۴/۴	۲۳/۳	۲۳/۲
۱۳۸۵	۲۸/۰	۲۸/۰	۲۸/۰	۲۸/۴	۲۸/۳	۲۷/۴	۲۵/۲
۱۳۹۰	۲۹/۸	۲۹/۷	۳۰	۳۰/۱	۳۰/۳	۲۸/۶	۲۹/۲

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰-۱۳۵۵

بر اساس آمارهای ارائه شده در جدول ۸، در سال ۱۳۵۵ در روستاهای کشور، میانگین سن مردان ۲۲/۲ و میانگین سن زنان ۲۱/۷ بوده است، در حالی که در سال ۱۳۹۰، در نقاط روستایی میانگین سنی مردان ۲۸/۶ و میانگین سنی زنان ۲۹/۲ است. البته در مقایسه میانگین سنی شهرنشینان که عبارت است از ۳۰/۱ برای مردان و ۳۰/۳ برای زنان، پایین تر است که این خود حاکی از جوان تر بودن بافت جمعیتی روستاهای کشور است. بررسی روند میانگین سنی زنان و مردان روستایی در ۳۵ سال گذشته نشان می دهد: جمعیت روستایی به تدریج در حال پیرتر شدن است که البته این مسئله گریبانگیر شهرهای کشور نیز شده است، چراکه میانگین سنی جمعیت شهرها نیز در همین مدت، در حال افزایش است. این امر در واقع زنگ خطر برای برنامه ریزان و سیاست گذاران کشور است، چراکه نسبت سالخوردگی جمعیت نیز که حاصل تقسیم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر به جمعیت زیر ۱۵ سال است نیز این واقعیت هم برای شهر و هم برای روستا تأیید می کند (جدول ۸).

جدول ۸. نسبت سالخوردگی* جمعیت در مناطق شهری و روستایی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

مناطق و سرشماری ها	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
جمع	۸/۴	۷/۹	۶/۷	۱۰/۹	۲۰/۷	۲۴/۵
مناطق شهری	۸	۸/۱	۶/۹	۱۰/۶	۲۰/۱	۲۴/۲
مناطق روستایی	۸/۶	۷/۷	۶/۵	۱۱/۴	۲۱/۸	۲۴/۹

* نسبت سالخوردگی: جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر تقسیم بر جمعیت زیر ۱۵ سال ضرب در ۱۰۰
منبع: مرکز آمار ایران، محاسبه شده بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰-۱۳۴۵

علاوه بر اینها، آمار و ارقام جدول شماره ۹ نشان می‌دهد: میانگین سنی شاغلین بخش کشاورزی نیز طی سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۳۴/۳، ۳۷/۶، ۴۰/۴، ۴۰/۵ و ۴۰ سال بوده است. این ارقام نشان می‌دهند: میانگین سنی شاغلان بخش کشاورزی نسبت به سال‌های قبل روند افزایشی داشته است. «سالخوردگی جمعیت در بخش کشاورزی، دارای آثار و پیامدهای متعددی است که مهم‌ترین پیامدهای منفی آن عبارتند از: ۱. محافظه‌کاری و مقاومت در برابر تغییر روش‌های تولید، ۲. عدم خلاقیت و نوآوری و عدم توسعه تولید، ۳. کاهش بهره‌وری، ۴. کاهش باروری و دور تسلسل سالخوردگی جمعیت روستایی، ۵. عدم استفاده از زمین‌های محدود کشاورزی و ۶. تهدید امنیت اقتصادی» (تقدیسی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۹۱). بنابراین این موارد، به همراه تحولات مهاجرتی در کشور نشان می‌دهند که ظرفیت مهاجرت‌فرستی روستاها کاهش یافته است.

جدول شماره ۹. میانگین سنی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و کل کشور طی سال‌های ۸۵-۱۳۴۵

سال گروه سنی	۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
	کل	کشاورزی	کل	کشاورزی	کل	کشاورزی	کل	کشاورزی	کل	کشاورزی
میانگین سنی (سال)	۳۳/۵	۳۴/۳	۳۴/۳	۳۷/۶	۳۵/۱	۴۰/۴	۳۵/۱	۴۰/۵	۳۵/۷	۴۰

منبع: رضائیان، ۱۳۸۰: ۲۱۸ و محاسبه بر اساس داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۸۵-۱۳۴۵

۴-۴. چشم‌اندازهای آینده در الگوی مهاجرت داخلی ایران

بی‌شک، یکی از چشم‌اندازهای اخیر در الگوی مهاجرت داخلی ایران، توجه به مهاجرت‌های شهر به شهر است. اگر مهاجرت را یک فرایند هوشمند در نظر بگیریم و این نکته را نیز در نظر داشته باشیم که سهم مهمی از جمعیت کشور شهرنشین هستند و علاوه بر این، ظرفیت مهاجرت‌فرستی روستاها در حال کاهش است، دور اخیر مهاجرت، مهاجرت‌های شهر به شهر و سلسله‌مراتب شهری (مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و از شهرهای بزرگ به کلانشهرها و از کلان‌شهرها به خارج از کشور) خواهد بود. بنابراین باید ترتیبی اندیشید تا توزیع جمعیت شهری در کشور به سمت تمرکز به شهرها و مناطق خاص پیش نرود و همچنین از درس‌ها و تجارب مهاجرت‌های روستا - شهری باید برای مدیریت این نوع از مهاجرت‌ها و به‌خصوص توزیع متوازن جمعیت کشور بهره ببریم.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی تغییرات الگوی مهاجرت داخلی ایران نشان می‌دهد که در سه دهه اخیر (۱۳۹۰-۱۳۶۵) شاهد افزایش در مهاجرت به شهرها و کاهش در مهاجرت به روستاها هستیم. همچنین شاهد کاهش چشمگیر در مهاجرت شهر به روستا و روستا به روستا هستیم. به عبارتی، جریان‌های مهاجرتی در ایران به تدریج به سمت شهر به شهر، با دربرگیری حدود دو سوم از کل مهاجرت‌ها (بر طبق سرشماری ۱۳۹۰) پیش می‌رود که ایراندوست و همکارانش (۱۳۹۲)، عباسی (۱۳۸۷) و وارثی و باقری (۱۳۹۲) هم در مطالعه خود به آن اشاره می‌کنند. پس مبرهن است، با تغییر و تحولات روی داده در جامعه ایران و تغییرات اتفاق افتاده در ساختار جمعیتی و توسعه‌ای آن، در حرکت‌های جمعیتی ایران به تدریج مهاجرت‌های روستا - شهری کم‌رنگ شده و به اهمیت مهاجرت‌های شهر به شهر و مهاجرت‌های بین‌المللی افزوده خواهد شد.

این تغییرات از اهمیت مهاجرت‌های روستا - شهری نمی‌کاهد، بلکه به این معناست که با توجه به مردگزين و جوان‌گزين بودن مهاجرت‌های روستایی، کاهش در رشد جمعیت روستایی و بزرگسالی جمعیت در روستا را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که جمعیت روستایی ایران در حال رسیدن به نوعی ثبات است که مهم‌ترین دلیل آن این است که دیگر جمعیت جوان و فعال قابل توجهی در روستاها باقی نمانده و روستاها دیگر ظرفیت جمعیت جوان خود را که قادر به مهاجرت و تحرکات جمعیتی باشد، تا اندازه زیادی از دست داده‌اند که با مطالعه مشفق (۱۳۹۱) و تقدیسی و احمدی شاپورآبادی (۱۳۹۱) همخوانی دارد. کاهش نرخ مهاجرت روستا به شهر و تثبیت نسبی جمعیت روستایی به دلیل کم‌رنگ‌تر شدن جاذبه‌های شهری نیست، چرا که به نظر می‌رسد همچنان زندگی شهری برای روستاییان از زندگی روستایی جذاب‌تر است، اما عده‌ای که در روستاها باقی ماندند، گروهی هستند که دیگر ظرفیت، قابلیت یا توان مهاجرت به شهرها را ندارند، نه اینکه این قابلیت را داشته باشند و از آن صرف‌نظر کرده باشند. علاوه بر این، با توجه به اینکه سهم مهمی از مهاجرین شهر به روستا را افراد میانسال تشکیل می‌دهد، نتیجه این است که نسبت جمعیت سالخورده افزایش یافته و همچنین جمعیت فعال و شاغل در بخش کشاورزی کاهش یافته است.

نتیجه کلی این مطالعه، آن است که همگام با فرایندهای توسعه در ایران و همچنین

تغییرات در گذارهای جمعیتی کشور، کشور ما در حال تغییر در الگوهای مهاجرتی خود است. الگوی آینده مهاجرت در ایران به‌طور گسترده، شهر به شهر، سلسله مراتب شهری و مهاجرت به خارج خواهد بود. از این رو پیشنهاد می‌شود که برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها به موارد زیر توجه شود:

۱. مسئله ماندگاری جمعیت در محیط‌های روستایی به‌خصوص در میان نسل جوان و با عنوان ماندگاری جوانان روستایی، نخست نیاز به مطالعه و شناخت دلایل و عوامل ترک و ماندگاری در روستاها دارد و دیگر آنکه نیاز به برنامه‌ریزی‌های منطقی و درست برای جذابیت بخشی به محیط‌های روستایی برای ماندگاری است. ۲. با توجه به اینکه بخش کشاورزی توانایی جذب شاغلین بیش از حالت فعلی را ندارد و برای جذب و ماندگاری جوانان نیاز به افزایش اشتغال و درآمدزایی در محیط‌های روستایی است، لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، تنوع بخشی در اشتغال روستایی را مد نظر قرار دهند. ۳. روند توسعه روستاها تسریع شود. ۴. با ایجاد صنایع و خدمات مرتبط با کشاورزی در روستاها ضمن جابجایی نیروی کار در زیربخش‌های کشاورزی، موجبات افزایش درآمد و توزیع عادلانه‌تر ثروت فراهم شود. ۵. با افزایش مخارج دولتی در عمران و توسعه روستایی، زیرساخت‌های لازم جهت رشد بخش کشاورزی فراهم شود. ۶. خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی و تفریحی موجود و مورد نیاز در مراکز دهستان‌ها و در سطح روستاها به نسبت جمعیت آنها توسعه یابد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ایراندوست، کیومرث و دیگران (۱۳۹۲). «تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۶: ۱۱۸-۱۰۵.
۲. پناهی، لیلیا و احمد... پیشرو (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت جوانان روستایی به شهر، مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان مرودشت»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم.
۳. تقدیسی، احمد و احمد شاپورآبادی (۱۳۹۱). «مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی ایران: چالشی فراروی توسعه پایدار روستایی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره اول، بهار، شماره پیاپی ۱۰۴: ۱۶۴-۱۳۳.
۴. رضانیان، محمد (۱۳۸۰). «سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۵. زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۳). «ضرورت‌های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
۶. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: سمت.
۷. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۹). «عوامل کلیدی در توسعه روستایی از دیدگاه جمعیت‌شناختی»، روستا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان: ۲۶-۱.
۸. عباسی، داوود (۱۳۸۷). بررسی مهاجرت روستا به شهر در ایران در دهه ۸۵-۱۳۷۵، طرح پژوهشی گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، تهران: پژوهشکده آمار.
۹. عظیمی، ناصر (۱۳۸۱). «مهاجرت از روستا به شهر»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۰، تابستان.
۱۰. قاسمی‌اردهایی، علی و علی حسینی‌راد (۱۳۸۷). جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به تفکیک استان، طرح پژوهشی گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، تهران: پژوهشکده آمار.
۱۱. قاسمی‌سیانی، محمد (۱۳۸۸). «پیامدهای مهاجرت روستا-شهری نسل جوان روستایی»، مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم، بهار و تابستان.
۱۲. مارتین، فلیپ (۱۳۸۳). مهاجرت نیروی کار، ترجمه سید حسن هفده‌تن، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۱۳. مشفق، محمود (۱۳۸۷). بررسی تحولات مهاجرت‌های داخلی و شهرنشینی در کشور از سال ۱۳۸۵-۱۳۵۵، طرح پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
۱۴. مشفق، محمود (۱۳۸۹). بررسی مهاجرت‌های داخلی ایران را از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۵، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۱۵. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

مهاجرت‌های روستایی در ایران و پیامدهای آن بر جامعه روستایی ۲۱۵

۱۶. نقدی، اسدالله و اسماعیل بلالی (۱۳۸۹). «کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی»، توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲.
۱۷. وارثی، حمیدرضا و کیوان باقری (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل جریان مهاجرت‌های داخلی ایران طی دوره ۹۰-۱۳۸۵»، فصلنامه جمعیت شماره ۸۳ و ۹۴.

ب) منابع لاتین

1. Anríquez, Gustavo and Stloukal, Libor (2008). Rural Population Change in Developing Countries: Lessons for Policymaking, Food and Agriculture Organization of the United Nations.
2. De Haas, Hein (2008). "Migration and Development A Theoretical Perspective", International Migration Institute, James Martin 21st Century School, University of Oxford.
3. Hilmi, D., Eyüp, A. (2011). "Migration Towards Tarsus Antalya and Fethiye: Reasons and results", Procedia Social and Behavioral Sciences: 297-307.
4. Shahnaz, H. (2010). Rural to Urban Migration in Pakistan the Gender Perspective, Pakistan Institute of Development Economics , Working Papers 56.

